

کریه محو که انقدر انجمن خلق

پیدا کرد . نکته گفت بش لولؤ ز بسدا کرد . شکر خنده کلین سپید
المسلیق علی السلام شورانیکیز که انقدر شوریده حال اولوبت ای کی
کلویری ترا نس زرد و چشم ابدی . با شمع لادنین بارگناه آورده
بر درت این بار بشت دو تا آوردم . آن بملکه که بودم سالک راه
هستم که که اکنون روبراه آوردم . که چه روی سعادت گذاشت
کسانی را . کرده گمانی زبان عذر خواه آوردم خرف عرفان
بارگان جمالت باش فالده صدف برقع کلر کت جبار نظار قیلعه بلخ
اول شاه یکدل سپاه گردیدم . دست محکم که صلوات صاگرد و اما
کیمی بریدن قابوت شویله صاگرد یکسند و پیوندی بران و شیر
کوهر بندی گنبدن بران اولدی شکر باستان حق حدیثدن میرزا
ایرالمین عمراول زور سر خونی با داندکده دو ابطه صفا
اولان اعصاب بدتم بند بر بند قابوت استخوانم بریزه
جو آسمان بران اولدی صاندم دیو پیور رار ابدی چون عز صلا
قاف اندازت سید لایبیا است هده ابدی است ان الاله
و انشد ان محمد رسول الله ویدر آورانی نزه سویان بلایع داعیه

ایندگی

ایضا چون السامه اولان
چهار

سرور

ملین با کسب خلق
سرور خاندان دانه
کردن

سرورون عمری در اغوش ایدوب زخم بر ای کبیر اولد فده آوازه لری
سامه باران بویب کوردی دغه کلان کت کبیری پیوسته نکلان شایر
طنفم حم حمده دشت اندازستان فریش اولدی اصحاب کزین کلان
یکان عجز تعظیم مراسم کرم ایدیلر عمر انداخته نجات دیدر
که با لای نداشت حضرت رسالت لیدر قری العین بخت خصا که کلین
کریم عشق و محبت ظهوره بند یکسند سلین بند عمارت کلان نقینه
کوتاه ابدی نقسه عمر بن الخطاب رضی الله عنه واسطه العقد مؤمنین
اولد فده عد اصحاب کزین وصل نصاب ربین اولدوغی معلومی نقینه
چهره سای خالی یاز تسوال سه ادبین تکلم اولدی تعد کرم نقسه
حال نهانمانه ظلمتدن چهل قدر دیدی سه ای قرط لغت کلی مطلع
مدنی سه ویا نی نقض . شبه برق توبرق افروز . لمنه برق برق
برق سوز . لسله القدر ز مویت تاری . وحی منزل ز لبت کنان
قره ات سود سه سودا . انجمنی ز ج دش کله . چند در
خفا بش تین . در بین فاک نیان سپن . مش ل زن
سلسله شکلین را . مر کش رکن عالم بن را . جلوه داخلت نار

بلائی بخفا قرانی صاگرد
دانه نیدر صاگرد
بریزه

سینه